

# گنجینه حسابداری

گزیده‌هایی از بخش ۹۹۰:

## آموزش و کارآموزی حسابداری



حفظ حیات خویش است... وظیفه آموزگار است که دانشجویان را از دانشی بهره‌مند سازد که سودمندی آن در حرفه ایشان به اثبات رسیده باشد (شرودینگر, Schrodinger).

ملاک آموزش موفق، حجم اطلاعاتی نیست که دانشجو از مدرسه گرفته است، بلکه شور و اشتیاق برای دانستن و توان یادگیری اوست... چه بسا دانشجویانی که مدرسه را در حالی ترک می‌کنند که عشق آموختن در آنان مرده و ذهنشان آکنده از توده‌های هضم نشده اطلاعات است. یک مسئول خوب آموزشگاه از تعداد موضوعهای با ارزشی که برای یادگیری معرفی می‌کند، شناخته می‌شود (لیوینگستون, Livingstone).

برنارد مارکس (متخصص هیپنوتیزم): صدبار تکرار یک موضوع، هفته‌ای ۳ بار، برای ۴ سال - ۴۰۰ بار تکرار موضوعی، آدمی را به آن مومن می‌سازد.

نه! به هیچ وجه باورکردنی نیست! (هاکسلی, Huxley).

بخش عمده‌ای از آموزش عبارت است از دستیابی ناخودآگاه به توانایی پیروی کردن از روشهایی که آنها را موفقیت‌آمیز یافته‌ایم... با چشمان باز شناختن اینکه برآستی چه روی داده است به دلیل عادات ذهنی که با آموزش در ماریشه دوانده است میسر نیست (بریجمن, Bridgman).

آموزش نه تنها باید ما را به هدف امروزمان برساند، بلکه باید ما را برای طی راههای دورتر به سادگی راهنمایی کند... چه اصول عمومی یا اساسی لازم است که اطمینان دهد فراموشی ذهن نشان از دست رفتن همه چیز نیست، به گونه‌ای که آنچه می‌ماند به ما امکان خواهد داد جزئیات آنچه را نیاز داریم، بازسازی کنیم. یک نظریه (تئوری) خوب، ابزاری است نه تنها برای دانستن پدیده‌های امروزی، بلکه برای یادآوری آنها در آینده (برونر, Bruner).

به نظر من، ما اغلب مایلیم در مورد ارزش دانش خود به گونه‌ای اغراق‌آمیز مبالغه کنیم. هدف آموزش راه بردن ذهن است، نه شلوغ کردن حافظه (لرد تویدزمویر, Lord Tweedsmuir).

آموزش، ابزاری ضروری و توانا در ارتقای رشد تواناییها و فرصتهای

ترجمه و گزینش: حمیده صفار

### بخش ۹۹۱: موارد عمومی آموزش

گاه آدم چیزی را به کسی می‌آموزد اما از استعداد و تواناییهای آن دانشجو آگاهی ندارد؛ به او گواهی حرفه‌ای اعطا می‌کند و کمی بعد می‌بیند که او آموزش یک فرد محترم (جنتلمن) را به اتمام رسانده است! (برنارد شاو, Show).

موضوعهای خیلی زیادی را نیاموز، اما آنچه را می‌آموزی به کمال بیاموز... چنین کن که مفاهیم اصلی مورد آموزش به یک کودک، انگشت شمار، اما مهم باشد. و آنها را در بررسی هر ترکیب ممکن از آن مفاهیم همراهی کن (وایت هد, Whitehead).

هدف اصلی فکر و عمل، احساس رضایت است... آدمی نیازمند

دیگر اساساً جزء موضوعهای درسی برای دریافت مدرک، محسوب نمی شود (نلسون، Nelson).

در دانشکده‌ها و دانشگاهها، زمینه معقولی برای مطالعه حسابداری وجود دارد.... حسابداری باید به عنوان بخشی از آموزش حرفه‌ای شناخته شود... اساسی‌تر و پایدارتر از کاربرد ساده مجموعه جزئیات... و تدوین روشهای متکی بر اصول (اسپروس، Sprou).

### بخش ۹۹۶: سوابق آموزش و استادان

اغلب حسابداران اطلاعات کمی درباره اقتصاد دارند.... این موضوعی است که برنامه‌های آموزش حرفه‌ای، باید توجه بیشتری به آن داشته باشد (استوارت، Stewart).

برخی آموزگاران به موضوعها و روشهایی عشق می‌ورزند که تا پایان عمر با آنان همراه است، بدون توجه به آنکه این امور امکان داشته و از نظر اقتصادی، عملی باشد یا نه (دنبی، Danby).

### بخش ۹۹۷: تلقین نظری دانشگاهی

بهای کارآموزی، همواره درمان جهلی مشخص است: اغلب می‌دانیم چگونه کاری را انجام دهیم، اما مشکل است که آنها را به شیوه‌ای دیگر بیاموزیم (کاپلان، Kaplan).

### بخش ۹۹۸: کتابها و مولفان

اغلب متون حسابداری، تنها از ارزشها گذر می‌کنند. در مقایسه با سایر زمینه‌های یادگیری، این متون به گونه‌ای اسف‌انگیز فاقد روشهای علمی و ضبط و ربط‌های محققانه است (جکسون، Jackson).

### بخش ۹۹۹: استادان و پیشرفت حرفه

وقتی که به کتابهای درسی حسابداری امروز نگاه می‌کنم، به کتابهایی قطور و متنهایی پروپیمان، همراه با توضیحات اضافی و تغییرات ساختاری برمی‌خورم، اما شواهدی کمی در مورد تغییرات پایه‌ای وجود دارد.... برخورد پژوهشهای حسابداری با دوره‌های آموزشی بسیار سطحی است. این برخوردها در جنبه‌های عملی حسابداری بسیار سطحی‌تر هم هست (بورتن، Burton).



فردی است، از این رو در افزایش فردگرایی و تکروری موثر است؛ همچنین ابزاری توانا در اختیار گروههای علاقه‌مند در جهت نیل به یکنواختی (و یک سوئی) اجتماعی محسوب می‌شود (کار، Carr).  
خرد جهانی به ما می‌آموزد که کمی به دانشی که برای آموختن ارائه می‌شود بدگمان باشیم؛ یعنی دانشی که از موسسات اجتماعی انحصاری، با ساختار سازمانی فشرده و متراکم و بعضاً دارای منافع شخصی و گروهی سرچشمه می‌گیرد، و توسط افرادی با آموزشهای خاص و ذهنهای کاملاً شستشو شده که ابزارها و ماشینهای هولناک و پیچیده را بکار می‌گیرند سازماندهی می‌شود (زیمن، Ziman).

### بخش ۹۹۳: آموزش حرفه‌ای - موارد عمومی

هرکس می‌تواند خود را «حسابدار عمومی» یا «کارشناس حسابداری» بنامد، بدون داشتن حتی یکی از ویژگیهای مورد نیاز برای حرفه حسابداری (مونتگمری، Montgomery).

به نظر من هر دو جنبه دانشگاهی و حرفه‌ای، نقش بااهمیت و البته جداگانه‌ای در آموزش حسابداران دارد، بدون اتکاب به چارچوبی نظری، تصمیمگیریه‌ها در عمل سلیقه‌ای خواهد بود (سکرات، Skerratt).

### بخش ۹۹۴: آموزشهای فنی و آموزشهای آزاد

آموزش فنی باید بر دانش عمومی ادبیات و علوم ریاضی، مکانیک، سیاسی و فیزیک استوار باشد (سوله، Soule).

تقابلی جدی میان آموزشهای فنی و آزاد وجود ندارد. آموزشهای فنی مناسبی که آزاد نباشد وجود ندارد و آموزشهای آزاد نیز فنی است؛ بنابراین نقش آموزش، انتقال هر دو دیدگاه فنی و عقلانی است (وایت‌هد، Whitehead).

به نظر من هیچ تفاوتی بین آموزشهای خوب و ساده و کارآموزیهای حرفه‌ای مناسب وجود ندارد (کارت، Carter).

### بخش ۹۹۵: هدفهای عمومی و سبک آموزش حسابداری

حسابداری باید به عنوان موضوعی درخور احترام برای مطالعه و پژوهش در سطح دانشگاهها استقرار و گسترش یابد.... حسابداری در برخی دانشگاههای انگلستان، همچون سیندرلاست و در برخی